

سوالات آزمون کتاب آزادی انسان (دشوار)

فصل اول: کلیات آزادی معنوی و آزادی اجتماعی

1. اگر فردی در جامعه اسلامی نخواهد از «آزادی معنوی» برخوردار باشد - به طور نمونه فردی که تمایل به رعایت قانون حجاب در یک جامعه اسلامی نداشته باشد- تا چه اندازه ای از «آزادی اجتماعی» برخوردار است و چه میزان می توان آزادی اجتماعی او را محدود نمود؟
2. آیا می توان گفت که هر چه آزادی افراد جامعه بیشتر، شادی و نشاط آنها نیز بیشتر می شود؟ شادی و نشاط واقعی بر اساس خود عالی و دانی چیست؟
3. انصاف یعنی چه؟ رابطه آن با آزادی چگونه است؟
4. چگونه تزکیه نفس و تقوی همان آزادی معنوی است و به عنوان بزرگترین برنامه انبیاء می باشد؟

فصل دوم: برخی مصادیق آزادی اجتماعی

1. تنظیم روابط دولتهای اسلامی با دیگر دولتها چگونه باید باشد که منتهی به انزوای آنها نگردد؟
2. چرا در ازدواج افراد مسلمان با غیر مسلمانان محدودیت هایی مقرر شده است؟ آیا این امر مغایرتی با حقوق بشر و آزادی افراد ندارد؟
3. نهضتهای بیداری اسلامی چه تاثیری در روابط بین جهان اسلام با سایر ملل دارند؟ چگونه می توان نهایت بهره را از فرصت های حاصل از آن نمود؟
4. جنبش دانشجویی خارج از کشور (به طور خاص انجمن های اسلامی) چه وظایفی در پیشبرد اهداف اسلام در سطح جهان دارد؟
5. چرا برخی اقلیت های دینی و گروه ها در نظام اسلامی با محدودیت و برخی نیز با ممنوعیت مواجه هستند؟
6. تفاوت یک فرد مسیحی بایک مسلمان که هر دو از طریق آباء و اجداد و به صورت تقلیدی دین خود را پذیرفتند چیست؟

7. از دیدگاه اسلام آزادی تفکر به رسمیت شناخته شده است، حال سوال مطرح این می باشد که آیا آزادی دسترسی به اطلاعات نیز که ابزار تفکر قلمداد می شود نیز بدون قید و شرط پذیرفته شده است؟

فصل سوم: هجرت و جهاد

1. همه احکام و تعالیم اسلامی که در قالب بایدها و نبایدها برای جنبه های مختلف زندگی مسلمانان آورده شده است، جزیی از نظام جامع تعلیم و تربیت اسلامی می باشد. از این منظر، ارزش و اهمیت هجرت و جهاد را (اگرچه در ظاهر امری خشن و ضد تربیتی است) به عنوان دو عامل تربیتی مهم در پرورش و تکمیل روح انسان چگونه می توان تبیین نمود؟
2. آیا از نظر اسلام، فردی که با نیت الهی برای طلب علم، جلای وطن کند، نیز مهاجر الی الله قلمداد می گردد و مستحق دریافت پاداش مهاجرت به عنوان یکی از تکالیف مسلمانان می باشد؟
3. آیا می توان فقط و فقط با توجه دادن محصلان و دانشجویان به موضوع با اهمیت «خالص کردن نیت» در انجام کارها، یک عمل مادی یعنی تلاش و حرکت برای ادامه تحصیل – که در همه جوامع معاصر غربی و شرقی، اقدامی معمول قلمداد می گردد- را آنچنان ارزش بخشید که به یک عمل عالی و الهی مبدل شود و در پیشگاه الهی، به عنوان مصداقی از مصادیق «مهاجرت الی الله» با آن توصیف ها و پاداش های وصف ناشدنی محسوب شود؟
4. این بیان را چگونه تحلیل می کنید: «اسلام چون طرفدار صلح است، پس باید با جنگ مخالف باشد و آن را به طور مطلق، ممنوع کند.»؟
5. آیا «دفاع» از نگاه اسلام فقط در مقابل حمله مسلحانه به سرزمین های اسلامی باید صورت بپذیرد یا اینکه دفاع به معنای اعم در مقابل ظلم های موجود در سراسر جهان از جمله دفاع از کل مستضعفین عالم، مورد نظر اسلام است؟
6. اسلام با وضع قانون جهاد و مجاز دانستن جهاد و جنگ برای مسلمانان، درصدد تحمیل عقاید خود به ملت ها برآمد، بنابراین آیا جهاد در اسلام با حقوق بشر از جمله «آزادی عقیده» در تعارض است؟

7. آیا جهادی به عنوان مبارزه با خرافات می‌تواند وجود داشته باشد یا نه؟ اگر می‌تواند، آیا حتماً باید براساس منطق باشد یا به هر وسیله‌ای باید متوسل شد؟ خصوصاً با توجه به اینکه غالباً خرافات تکیه گاه اعتقادی رژیمها و نظامهای فاسد است. (یادداشت‌ها، ج2، ص: 317)